



شعبه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نشانه‌ها و بنیادهای رادیو جوان

دکتر علی چمنی

درآمد

رادیو جوان، یکی از شبکه‌های رادیویی پرشنونده ایرانی است. این شبکه، لغزون بر تمرکز بر اقشار خاصی از مخاطبان، از وجوه دیگر نیز دارای تمایزات بسیار با بیشتر ایستگاه‌های رادیویی است. می‌توان رادیو جوان را مرز میان انواع برنامه‌سازی سنتی رادیویی و گونه‌هایی از برنامه‌های جدیدتر دانست که شنوندگان پر و پاقرص رادیو، تا پیش از ظهور این شبکه، با چنین مجموعه‌های رادیویی روبه‌رو نشده بوده‌اند. البته از تولد این رادیو نیز حدود یک دهه می‌گذرد و می‌توان گفت در این مدت، این گونه برنامه‌سازی، از نوعی بلوغ تمایزبخش با دیگر روندهای تولیدی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، دست یافته است.

رویکردهای جدید تولید و ابداعات رسانه‌ای این شبکه، در حالی که از یک سو، شمار شنوندگان آن را افزایش داده - که در میان رادیوهای ایرانی، بیشترین مخاطب را کسب کرده است و این امر، به ویژه در برخی برنامه‌های مهم آن، به اوج می‌رسد - از سوی دیگر، به افزایش نگاه‌های انتقادی و پرداخت آسیب‌شناسانه فرهنگی نیز دامن زده است. شاید پس از انقلاب اسلامی، کلیت هیچ شبکه رادیویی و تلویزیونی ایران، به اندازه شبکه جوان، در معرض انتقاد و اعتراض افراد و گروه‌های اجتماعی واقع نشده باشد. چنین ویژگی‌هایی اهمیت مطالعه این رادیو را پررنگ‌تر می‌کنند زیرا با وجود ارتقای خود، به لحاظ کسب توجه مخاطب، در انتقادات و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی نیز - که ممکن است برای هر مجموعه رسانه‌ای پیش آید - رتبه نخست را به خود اختصاص داده است. این واقعیت، صاحب‌نظران فرهنگی و به ویژه آنان را که از منظر انتقادی، در مطالعات رسانه‌ای متمرکز هستند، به تأمل وامی‌دارد که مگر فرآیند پیام‌آفرینی در

• دانش آموخته حوزه علمیه (تخریج فقه و اصول)
 • دانشجوی مقطع دکتری ارتباطات و فرهنگ اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)
 • مدیر گروه مطالعات ارتباطات دینی پژوهشکده بهار العلوم (ع)

این شبکه، به ویژه در برخی برنامه‌های خاص آن، از چه ویژگی‌ای برخوردار است که منجر به چنین واکنش‌های دوگانه‌ای شده است؟ آیا شنوندگان انبوه شبکه، در مسیر اجتناب از دیسپلین‌ها، هنجارها و استانداردهای فرهنگی، این رادیو را برگزیده‌اند یا خیل منتقدان پرشمار آن نوآوری‌های رسانه‌ای را در تعارض با اصالت فرهنگی می‌پندارند؟ یا واقعیت چیز دیگری است؟

به نظر می‌رسد برای گزینش رویکرد درست‌تر نسبت به واقعیت این رادیو، چه از جهت فرآیند پیام‌آفرینی و ساختار پیام و چه به لحاظ تأثیرات اجتماعی - فرهنگی و گفتمان‌های معنایی، که از سوی آن پراکنده می‌شوند، باید ضمن عبور از روش‌های در دسترس‌تر، ولی سطحی‌تر نقد عرفی شفاهی و نقد رادیو - تلویزیونی یا روزنامه‌ای به سراغ روش‌های قدرتمندتر و مؤثرتر بررسی و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای شتافت.

نوشتار پیش رو، اگر چه به برخی برنامه‌های مهم شبکه جوان، از دیدگاه انتقادی و آسیب‌شناسانه می‌نگرد؛ ولی قصد دارد این نگاه را از مسیری نشانه‌شناختی دنبال کند. از این رو، افزون بر این که به آن دسته از شنوندگان شبکه جوان کمک می‌کند تا شنیدن آن‌ها با نوعی آگاهی انتقادی نشانه‌شناسانه همراه باشد، همچنین به منتقدان این شبکه امکان می‌دهد با به دست آوردن برخی دانایی‌های نشانه‌شناختی نسبت به انتقادهای فرهنگی، خودآگاهی بیشتر و عمیق‌تری پیدا کنند و بتوانند اهداف منتقدانه خود را از راه ابزار نشانه‌شناختی رادیویی، راحت‌تر پی گیرند.

در ادامه، ضمن مرور پاره‌هایی از ادبیات نظری مربوط به نشانه‌شناسی، رادیو، نشانه‌شناسی رادیویی و گفتمان، خواهیم کوشید، اول گفتمان‌های معنایی و فرهنگی موجود در برنامه جوانی به وقت فردا را از طریق نشانه‌شناختی، به ویژه با تأکید بر نشانه‌های پیرا زبانی، استخراج کنیم و در مرحله دوم به بررسی روابط همنشینی این گفتمان‌ها بپردازیم. آن‌گاه، اشاراتی بر روابط جانشینی در هر یک از ترکیب‌های هم‌نشینی گفتمانی خواهیم داشت.



نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی، عبارت است از مطالعه شیوه‌های تولید معنا در نظام‌های نشانه‌ای که افراد برای مقاصد ارتباطی‌شان به کار می‌گیرند (گیل و آدمز، ۱۳۸۴، ص ۲۵۷) این دانش در اوایل قرن بیستم، به محوریت دو صاحب‌نظر مشهور، فردیناندو سوسور سوئیسی و چارلز ساندرز پیرس آمریکایی طرح گردید سوسور، اگر چه آن را دانشی در نظر می‌گیرد که به بررسی نقش نشانه‌ها در زندگی اجتماعی می‌پردازد (سوسور، ۱۳۷۸، ص ۲۴)؛ ولی در تدوین نظریه نشانه‌شناختی خود، از زبان‌شناسی متأثر بود.

چنان‌که اشاره می‌کند که تنها چند بند از کتاب دوره زبان‌شناسی عمومی، نوشته سوسور، به مسئله نشانه‌شناسی اختصاص یافته است و بی‌تردید، یکی از دلایلی که عموم زبان‌شناسان، از پیروی سوسور در طرح دانش عام نشانه‌ها سرباز زده‌اند، همین نکته است: دانشی که موضوع و جهت‌گیری زبان‌شناسی را تعیین می‌کند. (کالر، ۱۳۷۹، ۱۰۵) بنابراین، به‌رغم این‌که زبان، پیچیده‌ترین نظام نشانه‌ای و رایج‌ترین دستگاه بیان اندیشه‌ها و ابزار ارتباطی است و احتمال این وجود دارد که بسیاری از قواعد نشانه‌های زبانی بر دیگر رمزگان‌های غیرزبانی حاکم باشد؛ ولی بدیهی است در حوزه‌های متفاوتی چون موسیقی، معماری، تبلیغات، تلویزیون، رادیو، سینما، ادب و رسوم، مذهب، آشنایی و غیره، پدیده‌های دلالتگر یکسان نیستند و اگر هم پدیده‌ها و رفتارها، همه نشانه باشند، نشانه‌هایی از یک نوع نیستند. (سجودی، ۱۳۸۲، ص ۵۰)

به هر روی، از دیدگاه سوسور، نشانه دارای دو بعد است: دال (Significant) و منلول (Signifie). دال، شکل فیزیکی نشانه است؛ شکلی که از راه حس‌هایمان درک می‌کنیم. منلول به معنای مفهوم ذهنی کاربر از آن چیزی است که دال بر آن دلالت دارد (فیسک و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۲۷۳) سوسور ساخت زبان را متشکل از دو محور عمود برهم، یعنی محور هم‌نشینی و محور متناعی (جانشینی) می‌داند. محور هم‌نشینی، رابطه اجزای گفتار برای نمونه واژه‌ها... را در توالی با یکدیگر، مشخص می‌کند و محور جانشینی مبین گزینش‌های بدیله است که می‌توان به جای هر یک از اجزای یک زنجیره گفتار، به کار برد. در نمونه زیر، روابط



همنشینی اجزای جمله با علامت \rightarrow و روابط جانشینی آنها با علامت b مشخص شده‌اند.

پلیس \rightarrow اموال مردم را \rightarrow حراست می‌کند

b

b

کزد \rightarrow دارایی مردم را \rightarrow به سرقت می‌برد. (پاینده، ۱۳۸۵، ص ۲۹)

آنچه سوسور فرآیند همنشینی و جانشینی می‌نامد، از دیدگاه یاکوبسن، با دو قطب استعاره و مجاز، برای زبان مشخص می‌شود که نماینده دو فرآیند در ساخت زبان و دیگر نظام‌های نشانه‌ای هستند. استعاره از رهگذر فرآیند انتخاب و مجاز از راه فرآیند ترکیب ساخته می‌شوند (افراشی، ۱۳۸۴، ص ۷۱) یاکوبسن بر مبنای طرح‌واره‌ای که از نظریه ارتباطات وام گرفته بود - طرح‌واره‌ای که اکنون، دیگر به صورت یک طرح‌واره کلاسیک درآمده است - شش کارکرد را برای زبان برشمرد. تحلیل او - با اندکی دستکاری - درباره همه اشکال ارتباط معتبر است. (گیرو، ۱۳۸۳، ص

۱۹ و ۲۰)

۱. کارکرد ارجاعی که پیوند میان پیام و موضوعی که پیام به آن ارجاع می‌دهد را بیان می‌کند؛

۲. کارکرد عاطفی که پیوند میان پیام و فرستنده را رقم می‌زند؛

۳. کارکرد کنایی یا حکمی (ترغیبی) که نشاتگر پیوند میان پیام و گیرنده است؛

۴. کارکرد هنری که به پیوند میان پیام و خودش مربوط است؛

۵. کارکرد همگنی که به برقراری، حفظ یا توقف ارتباط وابسته است؛

۶. کارکرد فرازبانی که هدف آن روشن کردن معنای نشانه‌هایی است که ممکن است گیرنده

آنها را نفهمد.

ویژگی‌های رادیو و کارکردهای زبانی آن

مهم‌ترین ویژگی ارتباطی رادیو که آن را از دیگر ابزارهای ارتباطی مانند خود متمایز می‌کند، این است که رادیو رسانه‌ای شنیداری است. متن رادیویی شنیده می‌شود و در سطحی دیگر، به

بارور ساختن تخیلات و رؤیابردازی مخاطب دامن می‌زند. شنونده رادیو برای هر بخش از یک متن رادیویی، می‌تواند مابه‌ازای تصویری آن را تصور کند و در ذهن بگستراند این مسئله در فرآیند رمزگشایی متن رسانه‌ای، به نوبه خود، به فعالیت بیشتر مخاطب رادیو نسبت به مخاطبان تلویزیون می‌انجامد و نقش مخاطب را در تفسیر و فهم پیام رادیویی، پررنگ‌تر می‌سازد.

از سوی دیگر، هر چه دست مخاطب در معنا بخشی به پیام باز باشد، ارتباط رادیویی با محدودیت‌های بیشتری انجام می‌شود به عبارت دیگر، رادیو، به دلیل ویژگی‌های ذاتی آن، در به کارگیری عناصر بیانی کم‌شمار چون گفتار، موسیقی و افکت، نمی‌تواند به سادگی، فرآیند جهت‌دهی و سوگیری در پیام‌آفرینی را دنبال کند (نگاه کنید به خجسته، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹-۱۸۷) این امر در تلویزیون، بسیار متفاوت‌تر است. بنابراین، فرآیندهای لقای و ترغیبی کارآمد و موفق در رادیو، مهارت‌های افزون‌تر و دقت‌های دشوارتری می‌طلبد. از این رو، ساخت پیام رادیویی مطلوب از پیچیدگی رمزگذاری بیشتری برخوردار است. این واقعیت، مک‌لوهان را بر آن داشت که در دسته‌بندی معروفش از رسانه‌های گرم و سرد، رادیو را در دسته گرم جا می‌دهد. گرما یا سرمای پیام، پیرو میزان عنصری است که پیام برای رمزگشایی یک منلول مفروض صرف‌نظر از فقر یا غنای این منلول - به دست می‌دهد. (گیرو، ۱۳۸۰، ص ۳۲)

یکی از مواردی که در جهت‌دهی به تخیل شنونده رادیو، دارای کارآمدی بالایی است، بهره‌گیری از قابلیت‌های پیرا زبانی در گفتارهای رادیویی است:

پیرا زبان گونه‌ای از ارتباط غیرکلامی است که از صدا بهره می‌گیرد. پیرا زبان امری آوایی، ولی غیرکلامی است؛ بدین معنا که از آواها بهره می‌گیرد تا واژه‌ها را تعبیر دهد، تکمیل کند یا جایگزین آن‌ها شود. ویژگی‌های پیرا زبانی شامل چیزهایی چون تکیه، آهنگ، زیر و بمی، نواخت و بلندی صدا، سرعت گفتار و... است.

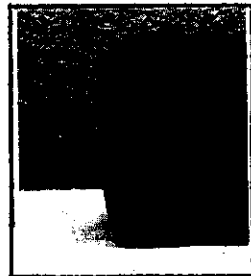
نشانه‌شناسی متن رادیویی

ویژگی اصلی متن، فیزیکی یا مادی بودن آن است. در حقیقت، از میان انواع پیام‌ها

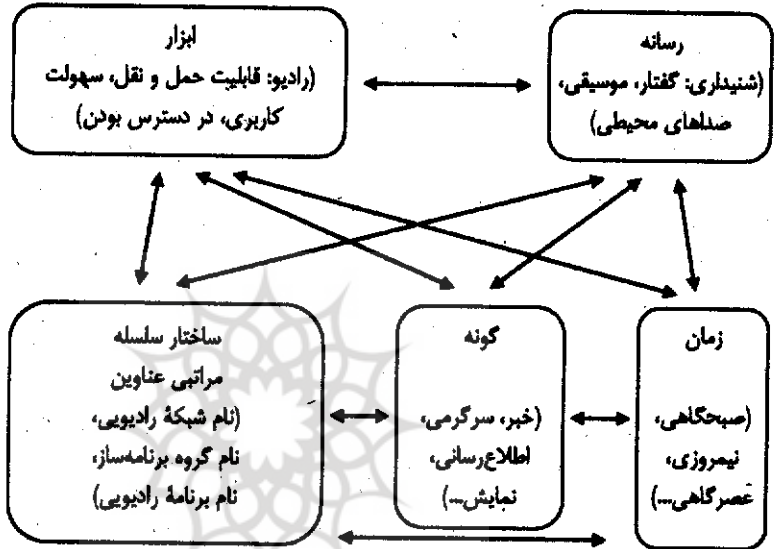
(message)، متن (Text) به نوع عینی و قابل مشاهده و در دسترس آن اطلاق می‌شود. از این رو، نسبت به پیام دارای موجودیتی مستقل‌تر از فرستنده و گیرنده است. بسیاری از نویسندگان مایلند میان علامت که گنراست و ارتباط که اثری پایدارتر پدید می‌آورد، تمایز قایل شوند؛ مانند نامه، رمان، عکس، فیلم. این نوع دوم (علامت) متن نامیده می‌شود (گیل و آتمز، ۱۳۸۴، ص ۷۸) پیام چیزی است که میان دو طرف ارتباط، مبادله می‌شود؛ ولی متن، خود یک سوی تبادل معناست. متن، مشتمل بر شبکه‌ای از کدهاست که در چند سطح کار می‌کند و بدین سان، می‌تواند بر اساس تجربه اجتماعی - فرهنگی خواننده، مجموعه گوناگونی از معناها را تولید کند (فیسک و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۴۰۶) نباید فیزیکی بودن پدیده متن به تلقی ثابت، تک لایه و جامد از آن منجر گردد. فرزنان سجودی درباره فرآیند تولید معنا در یک متن، چنین می‌گوید:

متن از لایه‌های پرشماری تشکیل شده است که هر یک نمود عینی و متنی نظامی رمزگانی است. بی‌تردیده در هر متن، بر اساس نوع آن، برخی لایه‌ها یا حتی گاهی یک لایه، نسبت به لایه‌های دیگر، اصلی‌تر است یا اصلی‌تر تلقی می‌شود و در تجلی‌های گوناگون متنی، حضوری ثابت دارد - و البته نه تفسیر و دریافت ثابت - و لایه‌های دیگر بافتی و متغیر است. پس وجود هر لایه متنی، در رابطه با دیگر لایه‌های متنی است. لایه‌های متنی در تعامل با یکدیگر و اثر متقابلی که از یکدیگر می‌پذیرند، به منزله متن و عینیت ناشی از نظامی دلالت‌گر تحقق می‌یابند و تفسیر می‌شوند. افزون بر آن، ممکن است عینیتی فیزیکی و بافتی، در تعامل با لایه‌های دیگر متنی، دارای دخالت دلالی در ارتباط و تفسیر باشد و در نتیجه، [به معنای] لایه‌ای از متن، خوانده شود و در شرایطی دیگر، در هیچ‌گونه تعامل متنی با لایه‌های دیگر قرار نگیرد و جز از متن تلقی نشود.^۲

از دیدگاه سجودی، ساختار سلسله‌مراتبی متن به نشانه‌شناسی آن نیز ویژگی سلسله‌مراتبی می‌بخشد و از نشانه‌شناسی لایه‌ای سخن می‌گوید از تلفیق دو رویکرد نشانه‌شناسی رادیو و



نشانه‌شناسی لایم‌ای، می‌توان لایم‌های دخیل در متن رادیویی را چنین نشان داد:



۳. سجودی، خوزان، ۱۳۸۲، ص ۳۳۴



در ادامه نوشتار پیش رو، گفتمان‌های معنایی برآمده از برنامه جوانی به وقت فردای رادیو جوان، بر اساس مدل بالا تشریح خواهد شد. در این میان، تکیه اصلی بر بخش رسانه‌ای این مدل است که در آن، تأثیر عوامل شنیداری رادیو بر تبادل معنا، بررسی می‌شود. البته پیش از پرداختن به این بخش، چند تذکر کلی درباره این مدل، ضروری است:

۱. در این مدل، میان مفهوم رسانه و مفهوم ابزار، تفکیک معناداری دیده می‌شود. از دیدگاه سجودی، اطلاق نام رسانه به روزنامه، رادیو، تلویزیون، اینترنت و... نمی‌تواند چندان دقیق باشد. وی رسانه را در ارتباط مستقیم آن با حواس انسانی بررسی می‌کند؛ زیرا بشر بیشتر اطلاعات خود

را از طریق حواس دریافت می‌کند. پس لازم است متون ارتباطی، به گونه‌ای، به وسیله این حواس، قابل دریافت باشد. حواس آدمی پنج‌گانه است: شنوایی، بینایی، چشایی، بویایی، بَساوایی و احتمالاً به تعداد این حواس می‌توان رسانه مرتبط داشت؛ ولی بیشتر رسانه‌ها، به دلیل ویژگی‌ها و ظرفیت‌های دو حس شنوایی و بینایی، در نسبت با این دو، پدید آمده‌اند. گفتار، موسیقی و صداهای محیطی از انواع رسانه‌های شنیداری و هم‌چنین نوشتار و تصویر (ثابت/متحرک) از انواع رسانه‌های دیداری هستند. در این رویکرد، رادیو، تلویزیون، اینترنت و... ابزار (رسانه) هستند. ابزارها دارای واقعیتی فن‌آورانه هستند و با تغییر در امکانات و دانش فنی، تغییر و تکامل می‌یابند؛ ولی رسانه این ابزارها جز آن‌چه بر شمردیم، نیست. (سجودی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۸)

وجه فنی ابزار نباید این تصور را پدید آورد که ابزار در برابر متن، لایشرط است، بلکه بر اساس رمزگانی که حامل آن است، در چگونگی خوانش متن دخالت می‌کند. بدین ترتیب، متن رادیویی از یک سو، تحت تأثیر مهم‌ترین ویژگی رسانه‌ای آن، یعنی انحصار در شنیداری بودن و از سوی دیگر، متأثر از وجوه ابزاری رادیو، مانند انتطاف‌پذیری و حمل و نقل آسان است که به تفصیل، توضیح داده می‌شود.

۲. هم‌چنین متن رادیویی، بر اساس این‌که برای پخش در چه ساعتی از شبانه‌روز تهیه شده، متفاوت است. برای نمونه، در صبحگاهان، به دلیل حالات روحی خاص مخاطب، ریتم گفتار و موسیقی، تندتر و محتواه، شادتر و نشاط‌انگیزتر از عصرگاهان است. در زمینه مفهومی، طبیعی است که برنامه عصرها و صبح‌های شبکه‌های رادیویی، دارای تفاوت‌های معنا دار باشند. برنامه جوانی به وقت فردا، آخرین برنامه عصرگاهی شبکه جوان، می‌تواند نوعی جمع‌بندی از وقایع یک روز کاری به حساب آید که در آن، قرار است درباره همه چیزهای مهم آن روز بحث شود. تعدد مضامین، تنوع قالب‌ها و مدت زمان طولانی این برنامه، به همراه جابه‌جایی مجریان، گونه‌ای ویژه از برنامه رادیویی بود که آن را به خلاصه شبکه جوان در یک روز، بدل ساخته بود. در این

میان، اختصاص آخرین ساعات پخش روزانه، در برجسته کردن این برنامه به شکل نماد شبکه جوان، بسیار مؤثر بوده است.

۳. به لحاظ متغیر گونه (ژانر)، برنامه جوانی به وقت فردا از نوع هیچ‌یک از برنامه‌های معمول شبکه‌های مختلف صدا و حتی خود شبکه جوان به شمار نمی‌آید و با همه آن‌ها متفاوت است. در این برنامه، عناصر کاملی از ژانرهای گوناگون برنامه‌های رادیویی چون طنز، تفریحی، سیاسی و خبر، مذهبی و مناسبتی، گفت‌وگو... به صورت ترکیبی و منحصر به فرد، استفاده شده است. این نوآوری، با چاشنی نام شبکه (جوان) معنایی پیش‌تازانه و دست بالا به این برنامه می‌دهد؛ برنامه‌ای که گویا برنامه برنامه‌های رادیو و اتاق گفت‌وگوی به‌روزترین دیدگاه‌ها و احوالات و اخبار است. به ویژه تأکیدی که در تیتراژ آغازین، بر جایگاه جوانی به وقت فردا می‌شود، آن را به نبض عصرگاهی ایران بدل می‌سازد. بدین ترتیب، نوعی چرخش نامحسوس از هدف‌گیری جوانان ایران، به سمت همه مخاطبان ایرانی شبکه، حس می‌شود. در حقیقت، نوعی رابطه جانشینی میان مفهوم جوان که در تقابل خردسال و میان‌سال و سال‌خورده است، با مفهوم جوانی، به معنای طراوت، تازگی، شادی و شیطنت به وجود می‌آید. بنابراین، تکرار مکرر واژه جوانی و تأکید بر آن، هیچ‌گاه به پررنگ شدن مسئله اختصاص برنامه برای جوانان نمی‌انجامد و این نکته‌ای ظریف و ظرفیتی جدید است که برای نخستین بار، در یک برنامه رادیویی به وجود آمده است.

نشانه‌شناسی گفتاری (کلام و غیر کلام)

آن‌چه مهم‌ترین بخش این نوشتار را تشکیل می‌دهد و نقطه اصلی اتکای ما در پیگیری گفتمان‌های معنایی موجود در شبکه جوان است، با تمرکز بر وجوه شنیداری صورت خواهد گرفت. عناصر بیانی رادیو عبارتند از کلام، موسیقی و افکت که هر سه از ماهیتی شنیداری برخوردارند؛ ولی در این نوشتار، تأکید بیشتری بر یک عنصر بیانی دیگر، به نام پیرا زبان^۱ خواهد شد که هر چند ذیل گفتار قرار می‌گیرد، کلام نیز به شمار نمی‌آید و در ادبیات ارتباطی و نشانه‌شناختی، در حوزه ارتباطات غیر کلامی، از آن سخن به میان می‌آید. پس بهتر است در عناصر بیانی رادیو، به

جای کلام، از مفهوم گفتار استفاده گردد که اعم از کلام و غیر کلام (پیرا زبان) باشد در ادامه، نقش ارتباطات غیر کلامی شبکه جوان در شکل دادن به برخی گفتارهای پیرا زبانی، توضیح داده خواهد شد و سپس، چگونگی همنشینی و همراه ساختن آن با گفتارهای کلامی و محتوایی موجود در شبکه، بررسی می‌شود. غلظت بالای بهره‌گیری از قابلیت‌های پیرا زبانی گفتار، یکی از برجستگی‌های حرفه‌ای شبکه رادیویی جوان است؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را وجه تمیز آن از دیگر شبکه‌های رادیویی ایران، به شمار آورد.

ارتباط غیر کلامی^۵ به برقراری ارتباط میان مردم، با ابزارهایی غیر از گفتار اطلاق می‌شود (فیسک و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۲۷۴) برای سهولت تحلیل، می‌توان ارتباط غیر کلامی را به سه بخش تقسیم کرد:^۶

۱. زبان تن: این زبان تلمی حرکات بدن را که منادله هستند و همراه گفتار یا بدون آن ظاهر می‌شوند، در بر می‌گیرد. در این زمینه، ارگانیل دست‌کم، هشت رمزگان را دخیل می‌داند؛ فاصله، لمس، جهت، حرکات سر، حالات چهره، ایما - اشاره‌ها، حالات بدن و تماس چشمی.

۲. ظاهر: که بیشتر بر نشانه‌های پایدار استوار است، تا حرکات و صلاهایی که می‌آیند و می‌روند.

۳. پیرا زبان: امری آوایی، ولی غیر کلامی است؛ به این معنا که از آواها بهره می‌گیرد تا واژه‌ها را تغییر دهد، تکمیل کند یا جایگزین آنها شود.

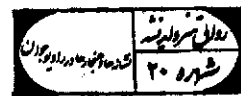
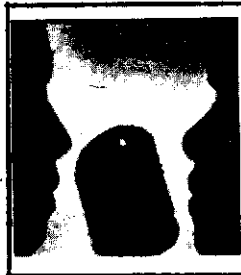
آبرو کرومبی (الام، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲) در این زمینه می‌گوید:

نمی‌توان به شناخت درستی از کاربرد مکالمه‌ای زبان گفتاری دست یافت، مگر با در نظر گرفتن عناصر پیرا زبانی، یا کوبسن در تأکید بر اهمیت پیرا زبان، هنرپیشمندی را که می‌تواند طیف گسترده‌ای از معنای ضمنی عاطفی را تنها از راه تفاوت‌های پیرا زبانی، بدون محتوای معنایی پرگفتار تولید کند، دارای مراتب بالای حرفه‌ای و هنری می‌داند.^۷

پژوهش نشان داده است که زبان غیر کلامی، ابزاری مهم در ابزار عقاید و احساسات است و در حوزه کارکرد عاطفی و لحنای زبان، نقش اصلی را بر عهده دارد. این ابزار، یاد گرفتگی است. از این رو، در سراسر جهان، از مفهوم و پیام‌های گوناگون برخوردار است و ویژه هر فرهنگ است. پس این قابلیت وجود دارد که کارکردهای نشانه‌ای این کنش و واکنش‌های صوتی مورد بررسی قرار گیرد. محرابیان (۱۹۷۲) برآورد کرده که ۷٪ تأثیر کلی پیام از کلمات به دست می‌آید، ۲۸٪ از پیرا زبان و ۵۵٪ از دیگر علامت‌های غیر کلامی. (گیل و آدمز، ۱۳۸۳، ص ۳۴)

شناخته‌شده‌ترین انواع پیرا زبان عبارتند از:

5. Non Verbal Communication
 فر گیل و آدمز، ۱۳۸۳، ص ۳۴
 ۷. یا کوبسن، ۱۳۸۰، ص ۲۵۴



الف صدا (زیر و بم):

ب. آهنگ (فرکانس و نظم صدا):

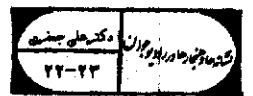
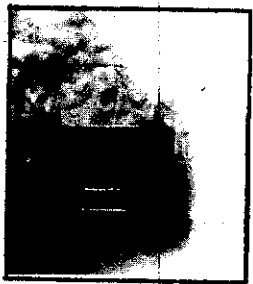
ج. لحن و کیفیت (برای نمونه طیف‌های صوتی، صدای خشن و صدای خوش طنین):

د. بلندی صدا (شدت صدا، از نجوا گرفته تا جیغ و فریاد).^۸

برخی پژوهشگران بر مبنای تقاطع دادن صرف عناصر پیرا زبانی، به ترکیب‌های جالبی از حالات عاطفی دست یافته‌اند. به جدول زیر که محصول پژوهش‌های روان‌شناختی جی‌ال‌ناویتر است، توجه کنید.^۹

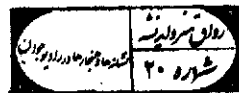
محبت	ملایم	بم	رسا	کند	منظم و تندی رو به بالا	منظم	پریده بریده
خشیم	بلند	زیر	پاسر و صدا	تند	نامنظم بالا و پایین	نامنظم	تقاطع و شمرده
ملال	متوسط به پایین	متوسط رو به بم	کم‌آهنگ رسا	کم‌آهنگ کند	یکنواخت یا به تدریج افتادن	—	کم‌آهنگ پریده بریده
تشاط	کم‌آهنگ بلند	کم‌آهنگ زیر	کم‌آهنگ با سر و صدا	کم‌آهنگ تند	بالا و پایین به‌طور کلی رو به بالا	منظم	—
بی‌حوصلگی	معمولی	معمولی تا کمی زیر	کم‌آهنگ تا سروصدا	کم‌آهنگ با تند	کمی خیزان (رو به بالا)	—	کم‌آهنگ شمرده
شادی	بلند	زیر	کم‌آهنگ با سروصدا	تند	خیزان	منظم	—
اندوه	ملایم	بم	رسا	کند	افتادن	مکت‌های منظم	پریده بریده

۸. فیسک و سنکلان، ۱۳۸۵، ۳۳۲-۳۳۷.
 ۹. به نقل از منطقی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۱.



یک پژوهشگر ایرانی بر اساس چنین الگویی، برخی از نمونه‌های گفتاری سریال‌های تلویزیونی ایرانی را به لحاظ دلالت احساسی آن، مورد بررسی قرار داده است:

محبیت	منظم و پریده پریده	کند	رسا	بم	ملازم	منصوحه: «سلام مینا خانوم، بزرگ شدی، خیلی هم قشنگ شدی.»	راه بی پایان
خشم	نامنظم و قاطع و شمرده	تند	سروصدا	زیر	بلند	خلیل خطاب به سید خلیل: «بلند شو، از خونه من برو بیرون تا اون استخوانتو خرد و خمیر نکردم.»	صاحب‌دلان
رضایت	منظم	معمولی	کمابیش رسا	معمولی	معمولی	محسنه: «باشه، برو وفا رو بیار اینجا.»	وفا
بی‌حوصلگی	کمابیش شمرده	کمابیش تند	کمابیش یا سر و صدا	معمولی تا کمی زیر	معمولی	پریا: «خیلی خستادم، بابا! برم بالا، یه کم استراحت کنم؟»	زیرزمین
شادی	منظم	تند	کمابیش یا سر و صدا	زیر	بلند	کامران: «مبارک، دست بلند بزنیدا.»	باغ مظفر
اندوه	مکته‌های پریده پریده	کند	رسا	بم	ملازم	بن مجسمه: «هن جای مرده‌ام.»	مام علی (ع)



از سوی دیگر، میان ارتباط کلامی و غیرکلامی (پسرا زبانی) در یک واحد ارتباطی، روابط مشخصی برقرار است. از آن میان، روابط جایگزینی - برای نمونه شخصی از شما چیزی پرسد و شما به جای پاسخ کلامی، سرخود را تکان دهید - مکمل - برای نمونه، تکان دادن سر به طور افقی، هنگامی نه گفتن - و متعارض - برای نمونه پس از کلاس درس، یکی از دانشجویان از استاد می‌پرسد: آیا می‌توانم با شما صحبت کنم؟ استاد می‌گوید: البته! من وقت زیادی دارم؛ ولی در همان هنگام، کتاب‌های خود را جمع می‌کند و در کیف می‌گذارد، به ساعت خود نگاه می‌کند و... را بر شمرده‌اند."



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شمس گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

مجموعہ علوم انسانی